

راهبرد ایران در فناوری غنی‌سازی اورانیوم: دلایل و پیامدها^۱

علی اکبر دارینی^۲

چکیده

این پژوهش قصد دارد فرایند دستیابی ایران به فناوری غنی‌سازی اورانیوم را توضیح دهد و عوامل مؤثر در تصمیم راهبردی جمهوری اسلامی در پیگیری این برنامه را تبیین کند. یورش نظامی عراق و تحریم‌های تسلیحاتی و اقتصادی غرب در دهه ۱۹۸۰، این پند گرانسنگ را به نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی داد که باید نیرومند شود و - بدون این که قوانین بین‌المللی را زیر پا بگذارد - بازدارندگی پایدار فراهم کند. هدف کلیدی این مقاله پاسخگویی به این پرسش است که قصد ایران از دنبال کردن فناوری غنی‌سازی اورانیوم چه بود و چه الزاماتی آن را وادار ساخت یا در این راه پرهزینه بگذارد؟ یافته‌های پژوهش بر پایه روش تحقیق تاریخی نشان می‌دهد ایران با هدف به دست آوردن اهرمی نیرومند، معتبر و قانونی در چارچوب پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای (NPT) و ایجاد بازدارندگی مشروع دست به غنی‌سازی اورانیوم زد تا بیگانگان در اندیشه یورش نظامی یا تغییر رژیم نباشند. دستیابی به توانمندی حصار هسته‌ای به ایران می‌دان داد نه تنها توانمندی تکنولوژیکی خود را به عنوان مایه غرور ملی و نماد خودباوری به نمایش بگذارد بلکه قدرت چانه‌زنی خود در عرصه جهانی را نیز افزایش دهد. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که ایران با تکمیل فرایند غنی‌سازی اورانیوم و رویکرد «تعامل سازنده» توانست غرب را وادار سازد جمهوری اسلامی را همان‌گونه که هست به رسمیت بشناسد و به یک معامله بزرگ با ایران تن دهد.

کلیدواژه‌ها: فناوری غنی‌سازی اورانیوم، حصار هسته‌ای، غرور ملی، بازدارندگی مشروع، تعامل سازنده

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۲۴

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (آمریکای شمالی) دانشگاه علامه طباطبایی؛ رایانامه:

aadareini@yahoo.com

۱. مقدمه

برنامه هسته‌ای ایران در سال ۱۳۳۶ ش (۱۹۵۷ م) در دوره محمدرضا شاه پهلوی با کمک و پشتیبانی ایالات متحده آمریکا پایه‌ریزی شد؛ زمانی که تهران و واشنگتن یک توافق‌نامه همکاری در چارچوب برنامه «اتم برای صلح»^۳ در دولت دوايت آیزنهاور^۴ امضا کردند. دولت ایران در سال ۱۳۵۲ شرکت آمریکایی بنیاد پژوهشی استنفورد^۵ را به کار گرفت تا در زمینه مطالعه و مشاوره درباره نیاز ایران به انرژی و تعیین سهم انرژی هسته‌ای به ایران کمک کند. این بنیاد پیشرفت صنعتی و اقتصادی ایران را وابسته به تولید ۲۰ هزار مگاوات برق هسته‌ای از طریق تأسیس نیروگاه‌های اتمی در ایران تا سال ۱۹۹۵ دانست. (Joyner, 2016: 7).

سازمان انرژی اتمی ایران در سال ۱۳۵۳ پایه‌ریزی شد تا برنامه هسته‌ای را به پیش برد. برنامه شاه براساس این ایده بود که ایران باید منابع انرژی جایگزین فراهم کند تا کشور را تا زمان پایان یافتن ذخایر نفتی آماده سازد. ایران با شرکت‌های آمریکایی و اروپایی قراردادهای گوناگونی بست که قرارداد ساخت نیروگاه اتمی بوشهر با شرکت کرافت یونیون^۶ آلمان یکی از آنها بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که دودمان پهلوی فروپاشید و جمهوری اسلامی تأسیس شد، همه چیز تغییر کرد. تغییر شگرف فضای سیاسی، مخالفت داخلی با فناوری هسته‌ای در روزهای نخست دوران پس از انقلاب و خروج استعدادها از کشور تقریباً برنامه هسته‌ای ایران



3. Atoms for Peace
4. Dwight Eisenhower
5. Stanford Research Institute
6. Kraftwerk Union AG

را با توقف موقت روبرو کرد.

شرکت‌های آمریکایی و اروپایی یکی پس از دیگری همکاری‌های هسته‌ای خود با ایران را قطع کردند و آلمان هم ساخت نیروگاه اتمی بوشهر را نیمه‌تمام رها کرد. آمریکایی‌ها که تا سال ۱۳۵۷ در پایه‌ریزی برنامه هسته‌ای ایران نقش ایفا کرده بودند، از سال ۱۳۵۸ دست به مخالفت با همان برنامه زدند. ایالات متحده نه تنها از ارائه فناوری هسته‌ای به ایران ممانعت ورزید بلکه متحدان خود را نیز به پرهیز از هرگونه کمک به ایران تشویق کرد. چندی نگذشت که مقامات تازه جمهوری اسلامی با درک اهمیت صنعت هسته‌ای، علاقه خود را به انرژی هسته‌ای ابراز کردند اما شرکای پیشین از تکمیل نیروگاه بوشهر و اجرای دیگر پروژه‌های هسته‌ای سرباز زدند. دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا ایران را متهم به دنبال کردن یک برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای به عنوان پوششی برای دستیابی پنهان به سلاح هسته‌ای کردند. ضمن اینکه با وضع تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه علیه ایران از فروش فناوری‌های هسته‌ای و دوگانه به ایران ممانعت ورزیدند.

اکبر هاشمی‌رفسنجانی در ۶ مارس ۲۰۰۵ در نشست اختتامیه کنفرانس بین‌المللی «فناوری هسته‌ای و توسعه پایدار» در تهران که به همت مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد، گفت تحریم‌های آمریکا و محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی اروپا ایران را وادار به پنهان‌کاری کرد و ایران چاره‌ای جز تأمین تجهیزات موردنیاز خود از بازار سیاه نداشت. وی اظهار داشت: «بله، مخفی‌کاری بود... اگر تحریم‌ها بر ما اعمال نشده بودند، ما همه چیز را علنی اعلام می‌کردیم... اما هیچ کس در بازار هیچ چیزی به ما نمی‌فروخت» (رفسنجانی، ۱۳۸۳).

۲. فناوری غنی‌سازی اورانیوم، نیاز ملی

حمله نظامی عراق در شهریور ۱۳۵۹ حکومت تازه تأسیس شده جمهوری اسلامی را غافل‌گیر کرد. ایران از یک سو سلاح و تجهیزات کافی برای پاسخگویی به حملات موشکی عراق نداشت و از سوی دیگر در معرض تحریم تسلیحاتی و فناوری‌های با کاربرد دوگانه قرار گرفت.

این تجربه ناگوار رهبران ایران را وادار ساخت بر توان داخلی تکیه کند و راه خودکفایی پی بگیرد. برنامه موشکی متعارف بخشی از این راهبرد با هدف ایجاد بازدارندگی نسبی بود. در دهه ۱۳۶۰ ش، صدام آنی‌ترین خطر برای ایران به شمار می‌رفت اما پس از آن آمریکا - که آشکارا راهبرد تضعیف نظام جمهوری اسلامی را دنبال می‌کرد - جایگزین عراق شد.

این واقعیت‌ها تردیدی برای رزم‌تدبیرگران (استراتژیست‌ها) ایرانی باقی نگذاشت که جمهوری اسلامی در کنار تأمین بخشی از برق موردنیاز کشور از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای، باید کنترل چرخه سوخت هسته‌ای^۷ - از اکتشاف و استخراج سنگ معدن اورانیوم تا غنی‌سازی و تولید سوخت هسته‌ای - را در دست گیرد و برای ارتقای جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی و



افزایش قدرت چانه‌زنی خود در معادلات جهانی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم^۸ دست یابد.

آن‌ها به این باور رسیدند که دستیابی به دانش غنی‌سازی اورانیوم به خودی خود می‌تواند در برابر دشمنان بازدارندگی پدید آورد و ایران را به یکی از ده کشور دارنده فناوری پیشرفته غنی‌سازی در جهان تبدیل و اراده ملی را تقویت کند. از سوی دیگر، با دستیابی به فناوری غنی‌سازی، ایران می‌توانست راه تأمین مطمئن و پایدار سوخت رآکتور و نیروگاه‌های اتمی برای خود پدید آورد و از وابستگی خود به بیگانگان بکاهد. این راهکار پاسخ به یک نیاز ملی بود تا هم جایگاه بین‌المللی ایران را بالا برد و هم بازدارندگی پایدار و قانونی برای ایران فراهم کند بدون اینکه دست به ساخت بمب اتمی بزند. وانگهی این راهکار با پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای یا ان‌پی‌تی^۹ ناسازگار نبود. این گزینه کم‌هزینه‌ترین و پرسودترین راهکار تلقی شد.

بازدارندگی در ساده‌ترین تعریف گونه ویژه‌ای از روابط سیاسی است که در آن یک بازیگر می‌کوشد بر رفتار بازیگر (یا بازیگران) دیگر در راستای اهداف خود تأثیر بگذارد. به بیان دیگر، بازدارندگی فراهم آوردن توانمندی‌های لازم در کشور بازدارنده با هدف متقاعد کردن طرف مقابل یا وادار کردن او به چشم‌پوشی از رفتاری مشخص یا رها کردن اهدافی است که دنبال می‌کند. به گفته بوفر (۱۳۶۶: ۶۷)، کارشناس فرانسوی، بازدارندگی به عنوان یک راهبرد در پی آن است که دشمنان را از قدرت تصمیم‌گیری برای کاربرد نیروی نظامی ناتوان سازد.

ایران همه راه‌های مشروع و قانونی برای به دست آوردن فناوری هسته‌ای را پیمود اما همه این راه‌ها با مخالفت ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی روبرو شد. آن‌ها در مسیر تلاش‌های آشکار و مشروع ایران برای دستیابی به تجهیزات هسته‌ای سنگ‌اندازی کردند و مانع خرید تجهیزات از سوی ایران شدند. ایران چاره‌ای جز دنبال کردن یک رویکرد پنهان نداشت. مأموران مخفی ایران در بسیاری از کشورها پنهانی خرید تجهیزات گوناگون هسته‌ای را آغاز کردند و از طریق شبکه عبدالقدیر خان، دانشمند هسته‌ای پاکستانی، تجهیزات غنی‌سازی را برای نخستین بار در اواخر دهه ۱۳۶۰ ش، سال‌های پایانی جنگ ایران و عراق، وارد ایران کردند. پس از سال‌ها تلاش، دانشمندان ایرانی توانستند با ساخت بومی قطعات سانتریفیوژ ایران را به کشور دارنده این فناوری پیشرفته تبدیل کنند.



۳. قدرت هسته‌ای نهفته

الگوی رفتاری ایران در سه دهه گذشته نشان می‌دهد که مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین اهداف آن از دستیابی به فناوری غنی‌سازی اورانیوم تبدیل شدن به یک قدرت هسته‌ای نهفته^{۱۰} بوده است تا بدین گونه ضریب امنیت ملی خود را بالا برد و در چارچوب اختیارات و تعهدات خود

8. Uranium enrichment technology

9. Non-Proliferation Treaty (NPT)

10. Latent nuclear power

در NPT بازدارندگی مشروع^{۱۱} فراهم کند.

برخورداری از دانش غنی‌سازی اورانیوم به ایران میدان می‌دهد نه تنها توانمندی تکنولوژیکی خود را به رخ جهانیان بکشد بلکه به توانمندی «بازدارندگی پنهان» یا «حصار هسته‌ای»^{۱۲} دست یابد (Dareini, 2017: 442). در واقع با رسیدن به توانمندی «حصار هسته‌ای» کشور دارنده فناوری غنی‌سازی اورانیوم به طور بالقوه از دانش و توانایی ساخت سلاح هسته‌ای برخوردار است و تا رسیدن به بمب چند گام دیگر مانده است اما در همان‌جا می‌ایستد و جلو تر نمی‌رود. این راهبرد نشان می‌دهد که چگونه یک کشور هموند NPT می‌تواند از توانمندی مشروع چرخه سوخت هسته‌ای برخوردار و دانش، تجهیزات، توانایی فنی و مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر زیادی داشته باشد بدون این که به سوی ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای گام بردارد. در شرایط وخیم، همچون یورش نظامی دشمنان، آن کشور می‌تواند در مدت یک سال یا کمتر دست به ساخت سلاح اتمی بزند چون پیشاپیش همه تجهیزات و مواد لازم را در اختیار دارد. ژاپن، کره جنوبی، تایوان، استرالیا، کانادا، آلمان، سوئیس و برزیل از نمونه کشورهایی هستند که بمب اتمی ندارند اما از توانمندی بازدارندگی پنهان برخوردارند.

علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، ۵ اسفند ۱۳۸۸ (۲۴ فوریه ۲۰۱۰) در سفر به ژاپن در دو دیدار جداگانه با کاتسویا اوکادا،^{۱۳} وزیر خارجه، و ساتسوکی ادا،^{۱۴} رئیس مجلس مشاوران ژاپن، گفت برنامه هسته‌ای ایران مدل برنامه هسته‌ای ژاپن را دنبال می‌کند. خبرگزاری مهر (۱۳۸۸) به نقل از لاریجانی نوشت: «همان‌گونه که ژاپن دارای فناوری هسته‌ای است اما سلاح اتمی ندارد، ایران نیز همین راه را در برنامه هسته‌ای‌اش دنبال می‌کند... فعالیت‌های هسته‌ای ایران کاملاً صلح‌آمیز و نظیر مدل ژاپنی است».

محمد البرادعی، مدیر کل وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۵ دسامبر ۲۰۰۴ در گفتگو با دیوید سنگر،^{۱۵} نویسنده روزنامه نیویورک تایمز^{۱۶} عنوان کرد: «من آن‌ها را کشورهای دارنده جنگ‌افزارهای نهفته می‌نامم. این توصیف با وضعیت بسیاری از کشورهای دارنده این دانش همخوانی دارد. تنها کلید، داشتن مواد شکافت‌پذیر است. اگر شما واقعا باهوش باشید، نیازی ندارید که جنگ‌افزار هسته‌ای بسازید. کافی است شما توانمندی فراهم کنید و این کار بهترین بازدارندگی است».

حسن روحانی (۱۳۹۰: ۶۲۵)، مذاکره‌کننده ارشد پیشین و رئیس جمهور کنونی ایران، در کتاب خود امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای تأیید می‌کند که دستیابی به غنی‌سازی ۲۰ درصد توانست بازدارندگی بیشتری برای ایران فراهم کند. او می‌نویسد: «توان غنی‌سازی به ویژه غنی‌سازی بیست

11. Legitimate deterrence
12. Nuclear hedging
13. Katsuya Okada
14. Satsuki Eda
15. David Sanger
16. New York Times



درصدی داریم و می‌توانیم بگوییم به نوعی بازدارندگی بیشتری را ایجاد کرده‌ایم که در مجموع دستاوردی قابل ملاحظه است».

۴. غرور ملی^{۱۷}

تقریباً همه جناح‌های سیاسی در درون نظام هم‌صدا پشتیبان برنامه هسته‌ای بودند. این برنامه یکی از معدود موضوعاتی بود که گروه‌های سیاسی درباره حفظ و گسترش آن اختلاف دیدگاه نداشتند. فناوری غنی‌سازی به صورت نماد ملی در آمده بود و چنان با غرور و هویت ایرانیان در آمیخته بود که هر دولتی دست از غنی‌سازی برمی‌داشت به احتمال قریب به یقین پشتیبانی مردمی را از دست می‌داد.

روحانی در نوامبر ۲۰۰۴ گفت او روز صدور بیانیه سعدآباد در مهر ۱۳۸۲ – پس از آن که وزاری خارجه سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان ایده توقف همیشگی برنامه غنی‌سازی در خاک ایران را گوشزد کردند – به آن‌ها گفت که هر دولتی در ایران دست از فناوری هسته‌ای بردارد بی‌درنگ سقوط خواهد کرد. او در سخنانی که از شبکه خبر سیمای جمهوری اسلامی پخش شد، گفت: «هر دولتی که بپذیرد فعالیت هسته‌ای را متوقف کند سقوط خواهد کرد. این خواست ملی است» (روحانی، ۱۳۸۳). احمد توکلی (۱۳۸۴)، نماینده محافظه کار مجلس نیز ۱۱ آگوست ۲۰۰۵ در سخنانی که از صدای جمهوری اسلامی پخش شد، گفت: «هر دولتی در ایران که دست از فناوری هسته‌ای بردارد سقوط خواهد کرد چون این موضوع به مسئله غرور ملی تبدیل شده است».

غرب به دنبال برچیدن فناوری غنی‌سازی از خاک ایران بود. آن‌ها به دنبال توافقی با ایران بودند که جمهوری اسلامی در برابر دریافت مشوق‌های اقتصادی اندک دست از غنی‌سازی بشوید یا تعلیق نامحدود – عملاً تعطیلی همیشگی – فعالیت‌های چرخه سوخت هسته‌ای را بپذیرد اما ایرانیان چنین درخواستی را توهین به خود می‌دانستند. آن‌ها دلیلی نمی‌دیدند که ایران از دسترسی به فناوری پیشرفته هسته‌ای محروم شود.

آمریکایی‌ها می‌گفتند ایران سرشار از منابع نفت و گاز است و نیازی به انرژی هسته‌ای ندارد اما اسدالله صبوری، معاون وقت سازمان انرژی اتمی ایران، ۱۱ مارس ۲۰۰۳ به نویسنده گفت: «آمریکا بیش از ایران نفت دارد و ذخایر گاز روسیه بیش از ایران است. اما هر دو شمار زیادی نیروگاه هسته‌ای دارند. هیچ کشوری نمی‌تواند به بهانه دارا بودن ذخایر نفت و گاز غنی، ایران را از دستیابی به فناوری پیشرفته هسته‌ای بازدارد».^{۱۸} وانگهی مجلس شورای اسلامی دولت را موظف کرده بود که در چارچوب معاهده NPT «نسبت به برخوردار نمودن کشور از فناوری هسته‌ای صلح آمیز از جمله تأمین چرخه سوخت جهت بیست هزار مگاوات برق هسته‌ای» اقدام



17. National Pride

۱۸. در مصاحبه با خبرگزاری آسوشیتدپرس، ۱۲ مارس ۲۰۰۳

کند. پافشاری غرب بر تعطیلی غنی‌سازی حس غرور ملی را بیش از پیش در ایرانیان برانگیخت. فریاد «انرژی هسته‌ای حق مسلم ماست» در همه راهپیمایی‌ها در سراسر کشور شنیده می‌شد و پارچه‌نوشته‌هایی که سخن از «حق انکارناپذیر» ایران در NPT برای دستیابی به فناوری هسته‌ای می‌کرد، در خیابان‌های تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران به چشم می‌خورد.

ایران برای نخستین بار در ۲۰ فروردین ۱۳۸۵ (۹ آوریل ۲۰۰۶) با راه‌اندازی یک آبشار^{۱۹} ۱۶۴ سانتریفیوژی توان غنی‌سازی خود را اثبات کرد و آن روز به عنوان روز ملی فناوری هسته‌ای^{۲۰} در تاریخ ایران ثبت شد. برای ایران، غنی‌سازی اورانیوم به نماد پیشرفت‌های علمی و خودکفایی تکنولوژیکی تبدیل شده بود. پیشرفت‌های هسته‌ای بخشی از هویت نوین ایرانیان به شمار می‌رفت و به همین دلیل هیچ سیاستمدار ایرانی نمی‌توانست تعلیق بلندمدت غنی‌سازی اورانیوم را بپذیرد، برنامه‌ای که ایران رنج‌های بی‌شماری برای به دست آوردن آن به جان خریده بود.

ویلیام بیمن،^{۲۱} استاد پژوهش‌های خاورمیانه در دانشگاه براون،^{۲۲} بر این باور بود که برنامه هسته‌ای مایه همبستگی ایرانیان شده است. او در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۵ در گفتگو با برنارد گورتزمن،^{۲۳} نویسنده شورای روابط خارجی،^{۲۴} آمریکا گفت: «از نگاه ایرانی‌ها، آن‌ها می‌خواهند به عنوان یک کشور در حال توسعه و پیشرفته که دارای پایه صنعتی نوین است، شناخته و دیده شوند... موضوع انرژی هسته‌ای دقیقاً همین است... آن‌ها می‌گویند آمریکا می‌کوشد آرمان‌های ما را سرکوب کند؛ ما را عقب مانده و سطح پایین نگه دارد و تبدیل به یک ملت درجه دوم کند. اما ما توانایی توسعه صنعت هسته‌ای را داریم ولی به ما می‌گویند که از این توانایی بی‌بهره‌ایم و نمی‌توانیم. این نگاه، مردم ایران را خشمگین می‌کند، نه تنها روحانیون در درون حاکمیت بلکه خون هر ایرانی که در خیابان پا می‌گذارد، حتی نوجوانان شانزده-هفده ساله را به جوش می‌آورد. داستان هسته‌ای آن‌چنان موضوعی هیجانی و پرشور است که هیچ سیاستمداری نمی‌تواند از آن کوتاه آید».

۵. امنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای^{۲۵}

از همان آغاز مناقشه هسته‌ای - یعنی زمانی که آمریکا و اسرائیل تأسیسات در دست ساخت غنی‌سازی نطنز و آب سنگین اراک را زود هنگام درز دادند و علیرضا جعفرزاده، مسئول دفتر شورای ملی مقاومت در واشنگتن (گروه تروریستی سازمان مجاهدین خلق)، ۱۴ آگوست ۲۰۰۲ در یک نشست خبری در هتل ویلارد واشنگتن پیشدستانه وجود این تأسیسات را برای افکار عمومی جهان افشا کرد - دولت ایالات متحده در پی آن بود که فعالیت‌های هسته‌ای ایران را

19. Centrifuge Cascade

20. National Day of Nuclear Technology

21. William Beeman

22. Brown University's Middle East Studies program professor

23. Bernard Gwertzman

24. Council on Foreign Relations

25. Securitization of the Nuclear Dossier



تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی^{۲۶} معرفی کند و موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد^{۲۷} بکشاند تا با دست بازتری بتواند با جمهوری اسلامی تسویه حساب سیاسی کند. به همین دلیل ۱۵ بهمن ۱۳۸۴ (۴ فوریه ۲۰۰۶) - روزی که شورای حکام^{۲۸} آژانس بین‌المللی انرژی اتمی^{۲۹} پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت ارجاع داد - روز خوشایندی برای کاخ سفید بود.

البرادعی (۱۳۹۰) در کتاب خاطرات خود عصر فریب: دیپلماسی اتمی در دوران خیانت^{۳۰} می‌گوید پرونده هسته‌ای ایران زمانی به شورای امنیت فرستاده شد که پیشرفت‌های زیادی در حل مسائل باقیمانده به دست آمده و آژانس نیز سندی مبنی بر انحراف برنامه هسته‌ای ایران به سوی سلاح هسته‌ای نیافته بود. او می‌نویسد: «آژانس به پیشرفت‌های بزرگی در راستی آزمایشی از برنامه هسته‌ای ایران دست یافته بود. هنگامی که سرانجام ارجاع ایران به شورای امنیت رخ داد، در واقع این کار تلاشی برای واداشتن شورای امنیت به توقف برنامه غنی‌سازی ایران بود و از فصل هفتم منشور سازمان ملل استفاده کرد تا غنی‌سازی ایران را که از نظر NPT قانونی بود، به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی نشان دهد».

محمدجواد ظریف (۱۳۹۰: ۸۳)، سفیر پیشین ایران در سازمان ملل و وزیر امور خارجه کنونی، در کتاب آقای سفیر می‌گوید: «سیاست آمریکا از ابتدای انقلاب این بود که ایران را گرفتار تحریم شورای امنیت کند... از ابتدای مذاکرات هسته‌ای نیز می‌گفت ایران باید به شورای امنیت بیاید و آژانس انرژی اتمی نمی‌تواند با ایران کار کند... در سال ۲۰۰۴ آمریکایی‌ها نامه‌ای را بین اعضای شورای امنیت پخش و طی آن دلایل خود را مبنی بر این که چرا باید پرونده ایران به شورای امنیت بیاید، مطرح کردند. یکی از همین دلایل این بود که آژانس به هیچ وجه نمی‌تواند قانوناً برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند، اما شورای امنیت این صلاحیت را دارد. علت این که ما می‌خواستیم پرونده ایران به شورا نرود، تنها نگرانی از تحریم نبود بلکه می‌خواستیم کسی مجوز این را نداشته باشد که برنامه‌های هسته‌ای ما را غیرقانونی اعلام کند».

ظریف (۱۳۹۰: ۲۳۱) در این کتاب روشن می‌کند که امنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای ابزاری در دست آمریکا بود که بتواند علیه ایران اجماع ایجاد کند و با جمهوری اسلامی برخورد کند. او می‌گوید: «هدف آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تبدیل ایران به یک تهدید امنیتی بین‌المللی بود. اصولاً هدف سلطه این است که دشمنان خود را به عنوان دشمنان همه معرفی کند. لذا آمریکا پس از انقلاب اسلامی لااقل سه بار تلاش کرد که ایران را به شورای امنیت ببرد و تحریم بین‌المللی علیه آن اعمال کند. یک بار در قضیه گروگان‌گیری بود. یک بار در قضیه نپذیرفتن قطعنامه ۵۹۸ از جانب ایران بود و بار سوم نیز در قضیه هسته‌ای است... هدف آمریکا صرفاً برای تحریم یا فشار بر ایران نیست بلکه آمریکا می‌خواهد ایران را به یک تهدید امنیتی بین‌المللی تبدیل کند».



26. A threat to global peace and security

27. United Nations Security Council

28. Board of Governors

29. International Atomic Energy Agency (IAEA)

30. The Age of Deception: Nuclear Diplomacy in Treacherous Times

ایران در دوران محمود احمدی‌نژاد رویکرد تقابل را در دستور کار خود قرار داد و فرهنگ هابزی^{۳۱} بخشی از رویکرد جدایی‌ناپذیر دولت او شد. سرسختی و گفت‌وگو ایدئولوژیک دولت وی در سیاست خارجی («افسانه»^{۳۲} خواندن هولوکاست، پافشاری بر شعار نابودی اسرائیل به عنوان سیاست دولت، کاغذ پاره خواندن قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و...) به آمریکا کمک کرد که بتواند به طور نسبی اجماع جهانی علیه ایران ایجاد کند. در زمان بیانیه سعدآباد، انگلیس، فرانسه و آلمان در برابر پافشاری آمریکا مبنی بر فرستادن پرونده ایران به شورای امنیت ایستادگی کردند اما رویکرد تهاجمی دولت احمدی‌نژاد سبب شد نه تنها این سه کشور اروپایی، که روسیه و چین نیز به آمریکا بپیوندند و از قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت پشتیبانی کنند. پرننگ شدن گفت‌وگو ایدئولوژیک در دوران احمدی‌نژاد و رویکرد دولت او در برابر اسرائیل به واشنگتن و تل‌آویو کمک کرد تا برنامه هسته‌ای ایران را در چارچوب یک تهدید امنیتی به همگان بشناساند.

شماری از چهره‌های میانه‌رو و همچنین استادان برجسته دانشگاه، همچون داوود هرمی‌داس باوند، بارها به نویسندگان گفته‌اند^{۳۳} که ایران می‌توانست با رویکردی محتاطانه و واقع‌بینانه در سیاست خارجی به فناوری غنی‌سازی دست یابد بدون این که هزینه‌های سنگین تحریم‌ها را پردازد.

شورای امنیت پس از خودداری ایران از توقف غنی‌سازی بر تحریم‌ها افزود. با افزایش تحریم‌ها، ایران به برنامه غنی‌سازی شتاب بخشید. هرچه تحریم‌ها شدیدتر شد، ایران اورانیوم کم‌غنی‌شده^{۳۴} بیشتری تولید کرد. پس از خودداری غرب از دادن سوخت هسته‌ای برای رآکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی تهران، ایران خود به تولید اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصد زد تا سوخت هسته‌ای موردنیاز آن را تولید کند. از نگاه غرب، این رخداد به جای آن که به برچیده شدن غنی‌سازی در ایران بینجامد، سبب شد که جمهوری اسلامی گامی بلند در نزدیک شدن به اورانیوم بسیار غنی‌شده^{۳۵} بردارد و خود را به ظرفیت گریز - یعنی مدت زمانی که لازم است اورانیوم بسیار غنی‌شده موردنیاز برای ساخت یک بمب اتمی تولید شود - نزدیک کند.

۶. نه به بمب

رهبران ایران در بالاترین سطح بارها اعلام کرده بود که جمهوری اسلامی به دنبال دستیابی به جنگ‌افزار هسته‌ای نیست اما غربی‌ها باور نمی‌کردند. یوشکا فیشر،^{۳۶} وزیر خارجه پیشین آلمان، در سفر به ایران در ۱۱ مرداد ۱۳۸۵ (۲ آگوست ۲۰۰۶) به نویسندگان^{۳۷} اظهار داشت ایران به این زودی‌ها نیازی به اورانیوم غنی‌شده ندارد و شتاب تهران برای غنی‌سازی مایه بدگمانی درباره نیت

31. Hobbes

32. Myth

۳۳. گفتگو با خبرگزاری آسوشیتدپرس در ۵ فوریه ۲۰۰۶

34. Low Enriched Uranium (LEU)

35. Highly Enriched Uranium (HEU)

36. Joschka Fischer

۳۷. گفتگو با خبرنگاران در سفارت آلمان در تهران

ایران شده است. او گفت: «ایران اکنون نیازی به سوخت هسته‌ای ندارد. شما باید نخست رآکتور هسته‌ای آب سبک بسازید تا به سوخت هسته‌ای نیاز داشته باشید. شتاب ایران در غنی‌سازی اورانیوم سبب بی‌اعتمادی می‌شود. اگر هم سوخت را برای نیروگاه اتمی بوشهر بخواهید، روسیه آن را تأمین خواهد کرد. معنی ندارد کسی برنامه هسته‌ای خود را با غنی‌سازی آغاز کند. وانگهی، رآکتور آب سنگین در چارچوب استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای معنی و مفهومی ندارد». بنابراین غربی‌ها بر این باور بودند که ایران اهداف دیگری دارد و در پی رفتن به سوی ساخت سلاح اتمی است. اما هدف ایران از پافشاری بر غنی‌سازی اورانیوم ساخت بمب نبود. ساخت سلاح اتمی تا اندازه زیادی - بیش از آن که به توانمندی فنی کشورها وابسته باشد - به اراده سیاسی حکومت‌ها بستگی دارد. ساخت بمب اتمی خدمت به دشمنان ایران و خودزنی بود.

آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای فتوایی در ممنوعیت کاربرد سلاح هسته‌ای صادر کرده بود. ایشان در خطبه‌های نماز جمعه ۱۵ آبان ۱۳۸۳ (۵ نوامبر ۲۰۰۴) عنوان کرد: «تهمت می‌زنند (غربی‌ها) که می‌خواهند (ایرانی‌ها) سلاح اتمی درست کنند. نه. ما به فکر سلاح اتمی نیستیم. من بارها گفته‌ام سلاح اتمی ما این ملت‌اند. سلاح اتمی ما این جوان‌های‌اند. ما سلاح اتمی نمی‌خواهیم... سلاح اتمی، تولیدش، نگه داشتنش و به کار بردنش، هر کدام یک اشکالی دارد. ما نظر شرعی خودمان را هم گفته‌ایم. روشن است و همه می‌دانند. دعوا سر این نیست».

آیت‌الله خامنه‌ای در ۹ شهریور ۱۳۹۱ (۳۰ آگوست ۲۰۱۲) نیز هنگام گشایش شانزدهمین نشست سران جنبش عدم تعهد در تهران فرمود: «جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظایر آن را گناهی بزرگ و ناخوشودنی می‌داند. ما شعار «خاورمیانه عاری از سلاح هسته‌ای» را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده صلح‌آمیز از این انرژی، براساس قوانین بین‌المللی، حق همه کشورهاست... سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده امنیت و نه مایه تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای هر دو است». رهبر افزود: «من تأکید می‌کنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه و سلاح هسته‌ای برای هیچ‌کس» است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و می‌دانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چارچوب معاهده عدم اشاعه به سود همه کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است».

سران ایران می‌دانستند ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای نه تنها آبروی سیاسی کشور و فتوای مذهبی آیت‌الله خامنه‌ای را خواهد برد بلکه امنیت ایران را هم به خطر خواهد انداخت؛ چون ساخت بمب اتمی به انزوای کامل ایران در جهان خواهد انجامید، اجماع جهانی علیه ایران را کامل خواهد کرد، رقابت تسلیحات اتمی در منطقه پدید خواهد آورد و غرب را تحریک به حمله نظامی به ایران خواهد کرد و چنین شرایطی خلاف برنامه‌ها، اهداف و خواسته‌های ایران بود.

از سوی دیگر، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها گواهی کرده بود که تأسیسات اعلام شده



ایران به سوی سلاح هسته‌ای منحرف نشده است. حتی برآوردهای اطلاعاتی آمریکا نیز می‌گفتند ایران برنامه تسلیحات اتمی خود را در پاییز ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) متوقف کرده و هیچ نشانی از انحراف ایران به سوی ساخت بمب دیده نشده است. هدف ایران چیره شدن بر فناوری غنی‌سازی و فراهم کردن بازدارندگی پنهان در چارچوب NPT بود نه ساخت واقعی بمب. به بیان دیگر، هدف ایران این بود که به یکی از پیچیده‌ترین فناوری‌ها در جهان دست یابد تا اراده ملی را به نمایش بگذارد، سوخت هسته‌ای تولید کند تا از وابستگی ایران به بیگانگان بکاهد و در صورت خودداری روسیه و دیگران از دادن سوخت بتواند - دست کم به شکل محدود - نیاز خود را برطرف سازد، خودباوری ملی را تقویت کند و قدرت چانه‌زنی خود در سطح جهانی را افزایش دهد.

جیمز کلایپر،^{۳۸} مدیر وقت اطلاعات ملی آمریکا، ۱۲ مارس ۲۰۱۳ در نشست کمیته اطلاعاتی سنا^{۳۹} گفت ایران از دانش ساخت سلاح هسته‌ای برخوردار است اما تصمیم سیاسی برای تولید آن نگرفته. او اظهار داشت: «ارزیابی جامعه اطلاعاتی این است که ایران در حال توسعه ظرفیت‌های هسته‌ای برای بالا بردن امنیت، پرستیژ و نفوذ منطقه‌ای خود است تا اگر تصمیم به انجام این کار بگیرد به این کشور توانایی توسعه جنگ‌افزارهای هسته‌ای بدهد. ایران تصمیم نگرفته سلاح‌های هسته‌ای تولید کند و ما نمی‌دانیم آیا ایران سرانجام تصمیم به ساخت سلاح هسته‌ای خواهد گرفت یا نه». همچنین افزود: «پیشرفت‌های فنی در ظرفیت هسته‌ای ایران این ارزیابی ما را تقویت می‌کند که ایران از ظرفیت علمی، فنی و صنعتی برخوردار است تا سرانجام سلاح هسته‌ای تولید کند... موضوع اصلی اراده سیاسی برای انجام این کار است».

بسته شدن پرونده ابعاد نظامی احتمالی^{۴۰} با قطعنامه تاریخی شورای حکام آژانس - که ۲۴ آذر ۱۳۹۴ (۱۵ دسامبر ۲۰۱۵) با اجماع به تصویب رسید - به بیش از یک دهه ادعاها و اتهامات در باره این که آیا ایران در گذشته برنامه‌ای برای ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای داشته یا نه پایان داد و روشن ساخت که برنامه هسته‌ای ایران به سوی سلاح هسته‌ای منحرف نشده است.

۷. اقتدار و تثبیت غنی‌سازی

با ادامه و تشدید مناقشه هسته‌ای، انباشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده قدرت چانه‌زنی ایران بر سر میز مذاکره با کشورهای ۱+۵ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان) را بالا برد. مواد هسته‌ای غنی‌شده اصلی‌ترین دارایی ایران بر سر میز مذاکره بود. افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده و تشدید تحریم‌ها - به‌ویژه تحریم‌های نفتی و بانکی یک‌جانبه غرب علیه ایران - از یک سو شرایط را حاد کرده و از سوی دیگر هر دو طرف را وادار به بازگشت به میز مذاکره و گفتگوهای جدی کرده بود. با این همه، رویکرد تقابلی و شعارهای پرهزینه و کم‌فایده دولت احمدی‌نژاد مذاکرات هسته‌ای با ۱+۵ را به بن‌بست کشانده بود.

38. James Clapper

39. Senate Intelligence Committee

40. Possible Military Dimensions (PMD)

پیروزی روحانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و دنبال کردن رویکرد «اعتدال» و «تعامل سازنده» با جهان نفس تازه‌ای به مذاکرات به بن‌بست رسیده دمید تا هر دو سو با دیپلماسی بتوانند گره‌ها را باز کنند و به توافقی مرضی‌الطرفین دست یابند. جایگزین شدن فرهنگ کانتی^{۴۱} در دولت روحانی فضای تند بین‌المللی علیه ایران را تا اندازه‌ای تلطیف کرد. خنثی کردن پروژه امنیتی‌سازی پرونده هسته‌ای و تبدیل آن به یک موضوع سیاسی - فنی راه را برای پایان دادن به مناقشه هموار کرد. برای شکستن فضای خصمانه و بر هم زدن اجماع جهانی علیه ایران نیاز به گفتمان نوینی بود که با گفتمان تازه در دولت روحانی راه هموار شد.

دولت روحانی به دنبال یک توافق برد - برد بود؛ به گونه‌ای که هم ایران بتواند اصل برنامه غنی‌سازی اورانیوم را حفظ کند و هم نگرانی‌های غرب درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران برطرف و اطمینان فراهم شود که ایران به سوی سلاح هسته‌ای گام برنخواهد داشت و تحریم‌ها هم برداشته شود.

روحانی بارها در سخنان تلویزیونی و مصاحبه با خبرنگاران روشن ساخت اگر آمریکا و هم‌پیمانانش بخواهند به انگیزه شکست ایران یا ایران بخواهد با هدف شکست غرب در سر میز مذاکره به پیروزی دست یابند و خواسته‌های خود را به دیگری تحمیل کنند، چنین مذاکراتی به سرانجام نخواهد رسید چون بازی برد - باخت پایدار نخواهد بود. از یک سو پر بودن دست ایران غرب را وادار به امتیازدهی در بر میز مذاکره کرد و از سوی دیگر وجود اراده سیاسی واقعی در تهران و واشنگتن برای یافتن راه‌حل، زمینه را برای دستیابی به توافق هسته‌ای - برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) - در سال ۱۳۹۴ هموار کرد.

آمریکا به دنبال برچیدن تک‌تک پیچ و مهره‌های برنامه هسته‌ای ایران^{۴۲} (اوباما، ۲۰۱۳) بود اما در چارچوب برجام، ایران به غنی‌سازی زیر ۵ درصد ادامه داد. این بدان معنی بود که شش قدرت جهانی - پنج هموند دائم شورای امنیت سازمان ملل و آلمان - رسماً برای نخستین بار در تاریخ حق ایران را برای غنی‌سازی به رسمیت شناختند. بنابراین، آمریکا در هدف خود مبنی بر محروم کردن ایران از فناوری غنی‌سازی اورانیوم ناکام ماند و زیرساخت هسته‌ای ایران دست نخورده باقی ماند.

از سوی دیگر، با دستیابی به برجام، برنامه هسته‌ای ایران - که به پرونده‌ای امنیتی تبدیل شده و به عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی معرفی می‌شد - دیگر تهدید شمرده نشد. افزون بر آن، شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ و تأیید برجام، همه قطعنامه‌های الزام‌آور تحریمی پیشین خود را که ایران را ملزم به توقف غنی‌سازی و توقف ساخت رآکتور آب سنگین اراک کرده بود برداشت؛ بدون اینکه ایران یک روز این قطعنامه‌ها را اجرا کند.

روحانی پس از اعلام توافق جامع هسته‌ای در وین، در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) گفت ایران به دنبال ۴ هدف بزرگ بود و به همه این اهداف دست یافت. او افزود: «ما در این مذاکرات ۴ هدف را دنبال می‌کردیم. هدف اول آن بود که توانمندی هسته‌ای و فناوری هسته‌ای را بتوانیم



41. Kant

42. Eliminate every single nut and bolt of their nuclear program

در داخل کشور ادامه دهیم. هدف دوم این بود که تحریم‌های غلط و ظالمانه و غیر انسانی را لغو کنیم. هدف سوم این بود که کلیه قطعنامه‌هایی که از دید ما قطعنامه‌های غیرقانونی بود، در شورای امنیت سازمان ملل آن‌ها را لغو کنیم و هدف چهارم این بود که پرونده هسته‌ای ایران را از فصل ۷ منشور ملل متحد و از شورای امنیت خارج کنیم که در توافق امروز و در این برنامه جامع اقدام مشترک هر ۴ هدف حاصل شده است».

بسیاری از کارشناسان خارج شدن ایران را از زیر فصل ۷ منشور سازمان ملل که برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی معرفی می‌کرد بزرگ‌ترین دستاورد برجام می‌دانند. در برابر آن، ایران نیز امتیازهای زیادی به طرف مقابل داد. برچیده شدن ۱۳ هزار سانتریفیوژ (از مجموع ۱۹ هزار سانتریفیوژ - که ۱۰ هزار در حال کار و ۹ هزار نصب شده اما غیرفعال بودند؛ یعنی ایران به مدت ۱۰ سال تنها با ۵۰۶۰ سانتریفیوژ IR-1 در نظنر غنی‌سازی خواهد کرد و ۱۰۰۴ سانتریفیوژ IR-1 نیز در تأسیسات فردو پابرجا خواهد بود اما اورانیوم غنی نخواهند کرد)، فروش ۹۷۰۰ کیلوگرم (نزدیک به ۱۰ تن) ذخیره اورانیوم غنی شده ۳/۵ درصد به روسیه و کاهش ذخایر اورانیوم غنی شده از ۱۰ تن به ۳۰۰ کیلوگرم به مدت ۱۵ سال، ممنوعیت غنی‌سازی بالای ۳/۶۷ درصد به مدت ۱۵ سال و... بخشی از امتیازاتی بود که ایران به غرب واگذار کرد تا اصل غنی‌سازی در خاک ایران را حفظ کند. ایران پیش از برجام نزدیک به ۱۰ تن اورانیوم غنی شده ۳/۵ درصد و ۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد داشت و از نگاه فنی به این معنی بود که اگر ایران تصمیم سیاسی برای ساخت بمب می‌گرفت، می‌توانست در مدت سه ماه به جنگ‌افزار هسته‌ای دست یابد.

بزرگ‌ترین خط قرمز آمریکا و مهم‌ترین خواسته غرب این بود که توانمندی گریز ایران از سه ماه به یک سال افزایش یابد. این امتیازی بود که رهبران ایران دادند و بدون آن برجام به دست نمی‌آمد. باراک اوباما، رئیس‌جمهور و دیگر مقام‌های آمریکایی بارها اعلام کردند در چارچوب برجام زمان گریز ایران به سوی جنگ‌افزار هسته‌ای از سه ماه به یک سال رسیده است.

ایران نمی‌توانست در دهه ۱۳۸۰ ش به چنین توافقی با غرب دست یابد چون در آن زمان دستش پر نبود اما با گذر زمان و چیره شدن بر فناوری غنی‌سازی و همچنین انباشت ذخایر اورانیوم غنی شده در دولت احمدی‌نژاد دست خود را پر ساخت. ایران بدون برخورداری از فناوری غنی‌سازی اورانیوم و نزدیک به ۱۰ تن ذخیره اورانیوم غنی شده نمی‌توانست به چنین توافقی با ۱+۵ دست یابد یا غربی‌ها را وادار سازد تا ادامه غنی‌سازی در خاک ایران را بپذیرند و به تحریم‌های هسته‌ای نیز پایان دهند. برجام توانست از تعطیلی تأسیسات غنی‌سازی نظنر جلوگیری کند. تا پیش از دستیابی به برجام، ایران تقریباً همه ذخایر اورانیوم خام (کیک زرد) خود را مصرف کرده بود اما با برجام توانست برای نخستین بار در دو دهه گذشته در برابر فروش اورانیوم غنی شده به روسیه کیک زرد وارد کند.

به گفته محمود علوی، وزیر اطلاعات، بدون برجام برنامه غنی‌سازی در ایران می‌خواهید چون ذخایر کیک زرد رو به پایان بود. او ۲۴ اسفند ۱۳۹۵ (۱۴ مارس ۲۰۱۷) در برنامه گفتگوی ویژه



خبری شبکه دو سیما گفت: «پیش از انقلاب ۵۵۰ تن کیک زرد وارد کشور شد و تا زمانی که دولت یازدهم آغاز به کار کرد ۵۰ تن از این ۵۵۰ تن باقی مانده بود که خوراک سه ماه کارخانه تولید گاز UF6 اصفهان بود. وقتی این ۵۰ تن تمام می شد، ۱۹ هزار سانتریفیوژ که هیچ، حتی اگر ۱۰۰ هزار سانتریفیوژ هم داشتیم، وقتی کیک زرد و اورانیوم طبیعی نداشتیم که غنی سازی کنیم، تمام سانتریفیوژها می خوابید.»

پس از دستیابی به برجام، ایران تا پایان سال ۱۳۹۵ بیش از ۳۶۰ تن کیک زرد وارد کشور کرد و تأسیسات غنی سازی نظنز به کار خود ادامه داد و نخواهد. اما در کنار برخورداری از فناوری غنی سازی، نظام جمهوری اسلامی برای پایداری و بقا خود نیازمند پیشرفت اقتصادی، انتقال تکنولوژی های پیشرفته به داخل، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و سرانجام برخورداری از یک اقتصاد درون زا - تقویت تولید ملی و افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی - است.

۸. نتیجه

ایران به دلیل جایگاه استراتژیک خود در خاورمیانه و برخورداری از منابع غنی زیرزمینی همواره از یک سو می دان رقابت قدرت های بزرگ و از سوی دیگر در معرض فشارها و تهدیدهای بی شمار بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و استقرار نظام جمهوری اسلامی، ایران به دلیل نوع حکومت، راهبردها و آرمان های ایدئولوژیک و ناهمراهی با قدرت های بزرگ با تحریم ها و چالش های اقتصادی، تکنولوژیکی و امنیتی جدی روبرو شد. تجربه ناگوار جنگ خونین هشت ساله با عراق به ایران آموخت که باید روی پای خود بایستد و نیرومند شود تا حرف زور نشنود. توسعه برنامه موشک های بالستیک متعارف بخشی از نیاز ملی ایران برای ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان و جبران کمبودها در صنایع هوایی نظامی بود.

درک واقعیت ها تردیدی برای ایران باقی نگذاشت که در کنار تأمین بخشی از برق مورد نیاز خود از طریق نیروگاه های اتمی در آینده، باید کنترل کامل چرخه سوخت هسته ای را در دست گیرد و برای ارتقای امنیت ملی خود به فناوری غنی سازی اورانیوم دست یابد. تدبیرگران ایرانی دریافتند که دستیابی به فناوری پیچیده غنی سازی اورانیوم می تواند در برابر دشمنان بازدارندگی پدید آورد و راه را بر تازش احتمالی آنها ببندد. این راهکار پاسخی به یک نیاز ملی بود تا هم جایگاه بین المللی و قدرت چانه زنی ایران را بالا برد و هم بازدارندگی پایدار برای کشور فراهم کند؛ بدون این که دست به ساخت بمب اتمی بزند یا قوانین بین المللی را زیر پا بگذارد. به بیانی دیگر، هدف ایران این بود که با دستیابی به فناوری غنی سازی اورانیوم اهرمی نیرومند و قانونی به دست آورد و به توانمندی بازدارندگی پنهان یا حصار هسته ای دست یابد تا بتواند با بهره گیری از آن در برابر خواسته های قدرت های غربی ایستادگی کند و غرب را وادار سازد که جمهوری اسلامی را همان گونه که هست به رسمیت بشناسد. ضمن اینکه با آن زندگی کند و اعتبار بین المللی به دست آورد بدون آن که تعهدات خود در NPT را زیر پا بگذارد.

به نمایش گذاشتن اراده ملی و خودباروی، تولید سوخت هسته ای و کاهش وابستگی



به بیگانگان از دیگر دلایل برنامه غنی‌سازی در ایران بود. از نگاه ایران، انجام غنی‌سازی نماد اعمال حق حاکمیت ملی بود. از یاد نبریم که آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش به دنبال برچیدن غنی‌سازی از خاک ایران بودند. آن‌ها پس از سرپیچی ایران از اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر توقف غنی‌سازی دست به تحریم‌های گسترده علیه ایران زدند تا با فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک ایران را وادار کنند دست از غنی‌سازی بردارد. اما ایران با انباشت اورانیوم کم غنی‌شده (۳/۵ تا ۵ درصد) و اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصد و برخورداری از یک رآکتور آب سنگین در آستانه بهره‌برداری آمریکا را ناکام گذاشت و غرب را وادار به امتیازدهی بر سر میز مذاکره کرد.

ایران بدون برخورداری از فناوری غنی‌سازی و داشتن ذخیره قابل توجهی از اورانیوم غنی‌شده نمی‌توانست غرب را وادارد که برای نخستین بار در تاریخ، حق غنی‌سازی ایران - هرچند زیر ۵ درصد - را بپذیرد، قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت را لغو کند، ایران را از زیر فصل ۷ منشور سازمان ملل رها سازد و تحریم‌های هسته‌ای را نیز بردارد. ایران محدودیت‌های زیادی را برای یک دهه - و در مواردی بیش از یک دهه - پذیرفت تا بتواند اصل غنی‌سازی در خاک خود را حفظ کند، اجماع جهانی علیه خود را بشکند، فضای خصمانه را برهم زند و زنجیر تحریم‌ها را از دست و پای خویش بردارد.

اما برخورداری از فناوری غنی‌سازی و انباشت اورانیوم غنی‌شده به‌تنهایی برای رسیدن به توافق با ۱+۵ کافی نبود. کنار گذاشتن سیاست تقابل و در پیش گرفتن رویکرد «اعتدال» و «تعامل سازنده» در دولت روحانی بود که زمینه را برای دستیابی به برجام فراهم کرد و بدون آن دستاوردهای گرانسنگ در برجام به دست نمی‌آمد. و مهم‌تر آن‌که در کنار توانایی هسته‌ای آنچه بستر بازدارندگی، پایداری نظام جمهوری اسلامی و امنیت ملی را فراهم می‌کند پیشرفت اقتصادی، گسترش رفاه عمومی، کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و سرانجام برخورداری از یک اقتصاد درون‌زاست.



کتابنامه

بوفر، آندر. ۱۳۶۶. *مقدمه‌ای بر استراتژی*. ترجمه مسعود کشاورز. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

بیمن، ویلیام. ۲۰۰۵. «گفتگو با شورای روابط خارجی». ۵ ژوئن. قابل دسترس در:

<http://wbeeman.blogspot.com/2005/06/qa-william-beeman-on-irans-election.html>.
[۱۴/۲/۱۳۹۷]

توکلی، احمد. ۱۳۸۴. اخبار نيمروزی شبکه پیام صدای جمهوری اسلامی. ۲۰ مرداد.

خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۳. «بیانات در خطبه‌های نماز جمعه». ۱۵ آبان. قابل دسترس در:

[http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id\[17/9/1397\]. 3258=](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id[17/9/1397].3258)

خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۱. «بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد». ۹ شهریور. قابل دسترس در:

[http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id\[17/9/1397\]. 20840=](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id[17/9/1397].20840)

روحانی، حسن. ۱۳۹۰. *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

_____ ۱۳۸۳. هر دولتی که توقف غنی‌سازی را بپذیرد سقوط خواهد کرد. پایگاه خبری آفتاب. ۸ اسفند. قابل دسترس در:

[http://aftabnews.ir/fa/news/1636\[16/9/1397\]](http://aftabnews.ir/fa/news/1636[16/9/1397]).

_____ ۱۳۹۴. «متن سخنان دکتر روحانی در گفتگوی زندهٔ رادیو تلویزیونی با مردم». پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری. ۲۳ تیر. قابل دسترس در:

[http://www.president.ir/fa\[17/9/1397\]. 88112/](http://www.president.ir/fa[17/9/1397].88112/)

ظریف، محمدجواد، ۱۳۹۲. *آقای سفیر: گفت و گو با محمد جواد ظریف*. تهران: نشر نی.

علوی، محمود. ۱۳۹۵. «علوی در گفت و گوی ویژه خبری مطرح کرد». خبرگزاری مهر. ۲۴ اسفند. قابل دسترس در:

[https://www.mehrnews.com/news\[17/9/1397\] 3933173/](https://www.mehrnews.com/news[17/9/1397]3933173/).

لاریجانی، علی. ۱۳۸۸. «آمادگی ایران برای تحقق ایدهٔ همگرایی آسیایی ژاپن». خبرگزاری مهر. ۵ اسفند. قابل دسترس در:

[http://www.mehrnews.com/news.\[17/9/1397\] 1040431/](http://www.mehrnews.com/news.[17/9/1397]1040431/)

هاشمی رفسنجانی، اکبر. ۱۳۸۳. سخنرانی در مراسم پایان کنفرانس بین‌المللی فناوری هسته‌ای و توسعهٔ پایدار». مرکز اسناد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی. ۱۶ اسفند. قابل دسترس در:

[www.rafsanjani.ir/records \[18/9/1397\]](http://www.rafsanjani.ir/records[18/9/1397]) .



- Dareini, Ali Akbar. 2017. "Legitimate Deterrence: A Thrilling Story of Iran's Nuclear Program". Tellwell Talent, Vol 2, pp 442-443.
- ElBaradei, Mohamed. 2011. "The Age of Deception: Nuclear Diplomacy in Treacherous Times". Bloomsbury Publishing.
- James Clapper, James. 2013. "Intel Chief: Iran Cannot Secretly Divert Nuclear Material for a Bomb". *Antiwar.com*. 12 March available at:
<http://news.antiwar.com/2013/03/12/intel-chief-iran-cannot-secretly-divert-nuclear-material-for-a-bomb/> [20 December 2018].
- Joyner, Daniel. 2016. "Iran's Nuclear Program and International Law: From Confrontation to Accord". Oxford University Press.
- Obama, Barack. 2013. "Obama: Eliminating Every 'Nut and Bolt' of Iran's Nuclear Program Not an Option". *Cnsnews.com*. By Patrick Goodenough. 9 December. Available at:
<https://www.cnsnews.com/news/article/patrick-goodenough/obama-eliminating-every-nut-and-bolt-iran-s-nuclear-program-not> [19 December 2018]
- Sanger, David. 2004. "When a Virtual Bomb May Be Better Than the Real Thing". *New York Times*. December 5. Accessed: 20 December 2018. available at:
<https://www.nytimes.com/2004/12/05/weekinreview/when-a-virtual-bomb-may-be-better-than-the-real-thing.html>

